

بایستگی پدیداری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دیدگاه امام خمینی (س)

محسن خلیلی*

درآمد

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نیاز جامعه انقلابی را به تجدید میثاقی نوین آشکار ساخت. این پیمان تازه که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نام گرفت، از پیشینه‌ای بهره می‌برد که بخش عمده‌ای از آن در شیوه عمل و اندیشه امام خمینی (س) نهفته است. به نظر می‌رسد انقلابها همواره مدعیان نظم نوینی هستند که جامعه را از سامان پیشین متمایز می‌گردانند. اما صرف ادعا بیانگر تفاوت نیست و آنچه که ظهور سامان یافته‌تری دارد عبارت است از متن مکتوب و مدونی که آن را قانون اساسی نام نهاده‌اند. انقلابها با تدوین یک متن مکتوب نوین می‌توانند ادعای نظم برتری را به ظهور برسانند و به آن وجه اثباتی ببخشند. انقلاب اسلامی ایران نیز بر نظم قبلی

* عضو هیأت علمی گروه تاریخ انقلاب پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.

شورید و مدعی نظم برتر و نوین‌تری شده که شکل ملموس و مکتوب آن در قالب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمایان گشت. در این مقاله دو روایت از نحوه تدوین قانون اساسی به همدیگر آمیخته شده است:

- ۱) روایتی تاریخی از چند و چون رویدادهای تدوین قانون اساسی کشورمان با تکیه بر گفتار و کردار امام خمینی (س)؛
 - ۲) روایتی اندیشه‌ای از نحوه بروز فکر تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دستگاه اندیشه امام خمینی (س).
- پرسش بنیادین نوشته حاضر چنین است: امام خمینی (س) چگونه روند تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را آغاز کردند و شتاب بخشیدند؟ در عین حال می‌توان سه پرسش فرعی نیز مطرح کرد:
- ۱) اندیشه امام خمینی (س) در مورد تدوین قانون اساسی برای جامعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی از چه قرار بوده است؟
 - ۲) امام خمینی (س) در مورد جایگاه قانون اساسی در روند اداره امور کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه می‌اندیشیدند؟
 - ۳) شیوه عمل و سیره امام خمینی (س) در مورد تدوین قانون اساسی از چه قرار بوده است؟

فرضیه یا پاسخ موقت به پرسش بنیادین مقاله بدین قرار است:

امام خمینی افزون بر آنکه جامعه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را نیازمند قانون اساسی می‌دانستند، چهار نکته نزد ایشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است:

- ۱) شتاب در تدوین قانون اساسی؛
- ۲) استقرار سریع و همه جانبه نظام جمهوری اسلامی؛
- ۳) قانونمند شدن روال اداره امور جامعه؛
- ۴) دخیل کردن ملت در سرنوشت سیاسی و تأکید همه جانبه به حضور

عمومی و آرای مردم.

این مقاله بر پنج گفتار به قرار زیر استوار شده است:

گفتار اول) گام‌های آغازین در طرد سلطنت و قانون اساسی مشروطیت

سخن یک) طرد سلطنت؛

سخن دو) طرد قانون اساسی مشروطیت؛

الف) نیم‌نگاهی به قانون اساسی مشروطیت به شرط اصلاح آن؛

ب) حذف قانون اساسی مشروطیت و تدوین یک قانون اساسی

جدید؛

گفتار دوم) عنوان یابی برای مجلس تدوین‌کننده قانون اساسی جدید

سخن یک) مجلس مؤسسان؛

سخن دو) مجلسی دیگر بدون نام مؤسسان.

گفتار سوم) مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی جدید به عنوان مجلس تدوینگر

گفتار چهارم) گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

گفتار پنجم) همه‌پرسی تصویب قانون اساسی و مسأله متمم و اصلاح آن

مقدمه

هر انقلابی نوعی پیمان شکنی است نسبت به نظم استقرار یافته

قبلی و خود یک قدرت مؤسس* است.

کارل فریدریش

ثمره انقلاب مشروطیت در ایران، نوعی قانون اساسی بود که سلطنت نامشروط و

بدون قید را به سلطنت مشروط و مقید تبدیل کرد. قانون اساسی مشروطیت مصوب

#) Constituent Power.

سال ۱۲۵۸ ش. تا سال ۱۳۵۷ ش. به لحاظ حقوقی، متن برتر قانونی و هنجار اساسی و حقوقی کشور شمرده می‌شد. با آغاز روند انقلاب اسلامی و بپاخاستن مردم در مقابل سلطنت پهلوی دوم، از همان آغاز معلوم شد که ابقای دو چیز ممکن نیست: سلطنت و قانون اساسی مشروطیت.

در آغاز انقلاب، نه نوع نظامی که بر کشور حاکم خواهد شد مشخص بود و نه نحوه تغییر قانون اساسی؛ اما نظر نهایی این بود که مملکت باید واقعاً به دست مردم اداره شود:

با قیام انقلابی ملت، شاه خواهد رفت و حکومت دموکراسی و جمهوری اسلامی برقرار می‌شود. در این جمهوری یک مجلس ملی مرکب از منتخبین واقعی مردم امور مملکت را اداره خواهند کرد.^۱

این نخستین باری بود که به صراحت از حذف سلطنت و برپایی نظام جمهوری اسلامی سخن به میان می‌آمد. اما هنوز معلوم نبود که با تغییر حکومت به جمهوری اسلامی، آیا باز هم به قانون اساسی مشروطیت عمل خواهد شد یا خیر؟:

هدف ما برقراری جمهوری اسلامی است ... و حذف ماده‌هایی که رضا شاه و شاه فعلی با سرنیزه در قانون گنجانده‌اند و حذف مواد مربوط به سلطنت مشروطه.^۲

در این دوران فقط حذف سلطنت به طرزی غیر قابل برگشت مسلم تلقی می‌شد:

اصلاً اساس سلطنت سلسله پهلوی مخالف قانون اساسی است ... اینها هم همه می‌دانند که اصل اساس سلطنت پهلوی برخلاف قانون است، اصل مخالف قانون اساسی، اگر او مخالف قانون اساسی بود، سلطنت پهلوی مخالف قانون بود، سلطنت پسرش هم مخالف قانون اساسی است ... شاهی که خلاف قانون اساسی است شاه نیست ... این سلسله از سلاطین به اصطلاح برخلاف قانون اساسی روی کار آمدند و

دنباله‌اش هرکاری که اینها انجام بدهند خلاف قانون اساسی است.^۳

در گامهای بعدی نیز به مرور و همزمان با پیشرفتهایی که در روند خیزش انقلابی و طرح براندازی سلطنت پیدا می‌شد، تصمیمهای مقتضی بعدی اتخاذ می‌گشت. در این مقاله با استفاده از بیانات و نوشته‌های حضرت امام (س) چگونگی شکل‌گیری این روند توضیح داده خواهد شد. مدعای اصلی چنین است: اگر دایره‌ای را فرض کنیم و نام آن را براندازی سلطنت، بی‌هنجارسازی قانون اساسی مشروطیت و درانداختن طرح قانون اساسی نوین جمهوری اسلامی بنامیم، خواهیم دید که در درون این دایره بزرگ دایره‌های کوچکتر و هم مرکزی وجود دارد که به طرزی همپوشاننده یکدیگر را دربرگرفته‌اند. اسامی این دایره‌ها عبارت است از:

- (۱) دایره حذف و طرد سلطنت؛
- (۲) دایره حذف و طرد قانون اساسی مشروطیت؛
- (۳) دایره طرح و تدوین قانون اساسی جدید؛
- (۴) دایره مجلس مؤسسان به عنوان تدوینگر قانون اساسی جدید؛
- (۵) دایره مجلس خبرگان به عنوان تدوینگر قانون اساسی جدید؛
- (۶) دایره طرح اصل ولایت فقیه به عنوان محور قانون اساسی جدید؛
- (۷) دایره اذعان به ایراد و اشکال موجود در قانون اساسی جدید و قول به رفع آن در متمع.

مقاله حاضر با توجه به موارد یاد شده شامل پنج گفتار و یک پی‌گفتار خواهد بود.

گفتار اول) گامهای آغازین در طرد سلطنت و قانون اساسی مشروطیت

سخن اول: طرد سلطنت

امام خمینی (س) بنیاد انقلاب اسلامی و خیزش مردمی را بر حذف کامل سلطنت از کشور گذاشتند و شاید این برجسته‌ترین موردی بود که حضرت ایشان با پافشاری تمام و

حتی بدون یک گام عقب‌نشینی بر آن پای فشردند و تا به آخر نیز دنبال کردند:

رژیم سلطنتی که مستندش قانون اساسی است باید مطابق با آرا
ملت باشد و ملت قاطباً بر خلاف آن رأی داده‌اند. بنابراین رژیم
سلطنتی محکوم است و به کلی باید از بین برود.^۴

در نظر امام خمینی (س) حذف سلطنت مقدمه‌ای برای برپایی نظام جمهوری اسلامی

بود:

هدف اسلامی ما برجیده شدن رژیم سلطنتی و سرنگونی سلطنت
سلسله پهلوی است... نظام حکومتی ایران جمهوری اسلامی است...
ما این پیشنهاد را در آتیه نزدیک به آرا عمومی رسماً مراجعه می‌کنیم.^۵

نظر حضرت امام (س) در مورد حذف رژیم شاهنشاهی نه یک نظر فرعی و حاشیه‌ای
که از اهداف اصلی ایشان بود که به طور کلی و عام با آن مخالف بودند و آن را طرد
می‌کردند: هرگز سلطنت مشروطه مورد قبول ما و ملت نخواهد بود.^۶

ایشان حتی مخالفت خود را به نص صریح قانون اساسی مشروطیت نیز مستند
می‌کردند و سلطنت پهلوی را از ابتدا غیرقانونی می‌دانستند.^۷ در عین حال ایشان
سلطنت را از اساس و بنیان بی‌اعتبار تلقی کردند و وظیفه مردم دانستند که خود
زمامداران خویش را انتخاب کنند:

اصل رژیم سلطنتی از اول یک چیز غلطی بوده ... رژیم سلطنتی
چی هست؟ باید مردم خودشان یک کسی را تعیین کنند.^۸

امام خمینی (س) با هوشیاری بسیار، ابقای بنیان سلطنت را در گرو دو اصل
می‌دانستند؛ یکی اینکه مردم سلطنت را بخواهند، در حالی که:

همان خود قانون اساسی می‌گوید که سلطنت یک موهبتی است
الهی که به اعلیحضرت آن را مردم می‌دهند ... خوب حالا ما همین ماده
را ما می‌خواهیم عمل بکنیم به آن. مردم باید سلطنت را بدهند به شاه،

ما از سرتاسر این مملکت سؤال می‌کنیم که سلطنت ایشان را آیا شما دادید به ایشان؟ هیچ کس جواب آره ندارد.^۹

و همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا در صدد حفظ نظام سلطنتی در چهارچوب قانون اساسی هستید، می‌فرمایند:

ملت ایران خواستار حکومت اسلامی است و من جمهوری متکی به آرا مردم را پیشنهاد کرده‌ام و سلطنت پهلوی یا نظام شاهنشاهی چیزی است که ملت ایران طی بیش از یک سال گذشته عموماً آن را نفی کرده‌اند.^{۱۰}

دیگر اینکه اسلاف یک ملت حق تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت برای اخلاف خود را داشته باشند که ندارند:

ملت یک جمعیتی هستند که بالفعل و در حال حاضر این جمعیت در این مملکت ساکن هستند و از اهالی این مملکت هستند ... همان طوری که نسبت به اشخاصی که بعدها می‌آیند معنا ندارد این مطلب، ... اگر گفتند ملت ایران اعطا می‌کند یک چیزی را، سلطنت را اعطا می‌کند، عبارت از آن ملتی که بعدها وجود پیدا می‌کند نیست. هر ملت آن وقت ملت است که موجود است بالفعل.^{۱۱}

حضرت امام (س)، در تأکید بر چنین عقیده‌ای نیز فرموده‌اند:

بسیار خوب به حسب قانون اساسی آنهایی که در آن وقت رأی داده بودند به ایشان، به آن آدم، او شد سلطان، اما نسبت به آن اشخاصی که در آن وقت بودند، نسبت به این آدمی که حالا است که رأی ندادند. بر فرض اینکه رأی داده بودند، حالا ملت ایران نیستند، رأی داده بودند، خودشان پوسیدند و رأیهایشان هم پوسید تمام شد رفت پی کارش، نه خودشان الان هستند نه رأی آنها دارند.^{۱۲}

اصل دیگری که ایشان مطرح می‌کردند آن بود که خود سلطنت از پایه و اساس ملغی

و باطل است، حتی اگر بخواهیم آن را به قانون اساسی مشروطیت مستند کنیم باز هم بطلان آن معلوم است: به حسب قانون اساسی این آدم یک آدم یاغی است.^{۱۳} زیرا نمی‌توان چیزی را به زور در قانون اساسی وارد کرد:

این موادی که از قانون اساسی برداشتند و جایش یک مواد دیگر گذاشتند یعنی سلطنت قاجاریه را گفتند نه و سلطنت اینها را گفتند آره، آن همه‌اش روی سرنیزه بود، قانونی نبود اینها.^{۱۴}

همچنین نمی‌توان حق قانونی مردم را به زور سرنیزه به آنان تحمیل کرد و آن را مبنای توارث قرارداد^{۱۵}، بنابراین:

شاه باید کنار برود برای اینکه به واسطه رأی ملت شاه نشده است تا استعفا بدهد، او باید کنار برود.^{۱۶}

سخن دو) طرد قانون اساسی مشروطیت

الف) نیم‌نگاهی به قانون اساسی مشروطیت به شرط اصلاح آن حذف سلطنت سخنی بنیادین بود که رهبر انقلاب اسلامی از ابتدا بنا قاطعیت در مورد آن سخن گفتند، اما نحوه برخورد ایشان با قانون اساسی مشروطیت متفاوت بود. در ابتدا سخن بر سر آن بود که می‌توان به بخشهایی از آن قانون اساسی استناد کرد و با حکم و اصلاح آن را اجرا نمود:

قانون اساسی دو مرحله داشته است: ۱ - مرحله پیش از کودتای رضاخان در آن وقت طوری بوده است که ایرانی‌ها و مسلمین نمی‌توانسته‌اند طرح حکومت اسلامی را بدهند از این جهت برای تقلیل ظلم استبدادهای قاجار و پیش از قاجار بر این شدند که قوانین وضع شود و سلطنت به صورت سلطنت مشروطه درآید. در عین حال در قوانین پیش‌بینی این مسائل شده است. تمام مسائلی را که الان ما مطرح می‌کنیم می‌توانیم به متمم قانون اساسی استناد کنیم. این یک

مرحله است از قانون اساسی. ۲- مرحله‌ای که پس از کودتای رضا شاه انجام گرفت و به قانون اساسی اضافه شد. در آن وقت رضا شاه کودتا کرد و به دنبال او قضایایی واقع شد و بالاخره به این منتهی گردید که رضا شاه با قدرت سرنیزه و قلدری قانون اساسی را تغییر دهد و یک مجلس مؤسسان با زور و قلدری تأسیس کرد و ملت به هیچ وجه با او موافق نبود. در مجلسی که ملت هیچ گونه دخالتی در آن نداشت موادی از قانون اساسی را تغییر داد، سلطنت قاجار را منقرض و سلطنت پهلوی را تصویب نمود. بنابراین قانون اساسی در مرحله اول با حفظ متمم آن برای همین مسائلی که ما مطرح کرده‌ایم می‌تواند مستند ما باشد. در مرحله دوم مسأله سلطنت رضا شاه و سلسله پهلوی اصلاً قانونیت نداشته و این سلسله برخلاف قانون اساسی بر این مملکت تحمیل شده است.^{۱۷}

بخشهایی از قانون اساسی که با اسلام مغایرت داشت اصلاً از نظر امام خمینی (س) اعتبار نداشت: قانون اساسی فعلی بدون اصلاحات از نظر من اعتباری ندارد.^{۱۸} پس باید به گونه‌ای قانون اساسی مشروطیت را اصلاح کرد که با قوانین اسلام سازگار باشد:

قانون اساسی قبلی را تصفیه می‌کنیم، یعنی نظر می‌کنیم هر مقدارش موافق با قانون اسلام است آن را حفظ می‌کنیم و هر مقدارش که مخالف با قانون اسلام است آن را حذف خواهیم کرد.^{۱۹}

ب) حذف قانون اساسی مشروطیت و تدوین قانون اساسی جدید

پس از آنکه امام خمینی (س) اعلام کردند که حکومت پیشنهادی ایشان برای آینده کشور جمهوری اسلامی است که باید به آرا عمومی گذاشته شود،^{۲۰} آن را اینگونه تعریف کردند: حکومت جمهوری متکی به آرا عمومی، و اسلامی، متکی به قانون اسلام.^{۲۱} ایشان تشکیل چنین نظام نوبنی را نیز مشروط به تدوین قانون اساسی مناسب آن

دانستند: لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی ای متکی است که قانون اسلام می‌باشد.^{۲۲} و این سخن را چند جای دیگر نیز تکرار فرمودند:

- ۱ - جمهوری است به واسطه اتکای به آرا اکثریت مردم و اسلامی است چون قانون اساسی آن عبارت از قانون اساسی اسلام است.^{۲۳}
- ۲ - جمهوری اسلامی متکی به آرا عمومی و قوانین اسلامی برقرار خواهد شد.^{۲۴}

آشکار بود که در چنین شرایطی دیگر رژیم سلطنتی در ایران نمی‌توانست پابرجا بماند و به دنبال آن قانون اساسی مشروطیت نیز با اعلام به رأی گذاشتن جمهوری اسلامی از حیز انتفاع ساقط می‌شد. در نتیجه این جمهوری جدید مجلسی نیاز داشت که بتواند امور اساسی حکومت آینده را مشخص کند اما هنوز نامی برای این مجلس انتخاب نشده بود:

در حکومت جمهوری، مجلس تشکیل خواهد شد. بعد مجلس جزئیات نوع جمهوری و مسائل مربوط به آن را تعیین خواهد نمود.^{۲۵}

چنین مجلسی می‌بایست قوانینی طراحی می‌کرد که از قوانین اسلام نشأت می‌گرفت: قانون چنین جمهوری بدیهی است که قوانین اسلام است.^{۲۶} حضرت امام (س) برای نخستین بار در ۱۰ دی ماه ۱۳۵۷، به صراحت از تدوین قانون اساسی جدید سخن به میان آوردند:

قانون اساسی که رژیم ایران را سلطنتی می‌شناسد، چون از نظر ملت رژیم سلطنتی مردود است، از اعتبار ساقط است و باید قانون اساسی جدیدی تدوین شود.^{۲۷}

اما نکته‌ای را نیز باید مد نظر داشت و آن اینکه حضرت امام (س) معتقد بودند که می‌توان از بسیاری از اصول قانون اساسی مشروطیت در قانون اساسی جدید استفاده کرد زیرا قانون اساسی مشروطیت اصول مغفول عنهی داشت که موافق اسلام بود و در

رژیم پهلوی به آن عمل نمی‌شد، اما امکان به اجرا درآمدن آنها بود:

در همین قانون اساسی فعلی هم که هشتاد و هشتم قانون اساسی می‌گوید هر قانونی که برخلاف قوانین شرعیه باشد قانون نیست. ما هم همین را می‌خواهیم درستش کنیم منتها عمل نشده، ما می‌خواهیم عمل کنیم.^{۲۸}

از این سخن امام خمینی (س) استفاده می‌شود که ایشان به طور مطلق با قانون اساسی مشروطیت مخالف نبودند چون این قانون به طور کامل با اصول اسلام مغایرت نداشت. انقلاب ایران انقلابی اسلامی بود. حضرت امام (س) صلاح نمی‌دیدند انقلابی با نام اسلام به پایان برسد، جمهوری اسلامی اعلام شود ولی اصلاً به قانون اساسی مشروطیت که برخی از مسلمات اسلامی جزئی از آن بود توجه نشود. از طرفی قانون اساسی مشروطیت پاسخگوی همه نیازهای یک حکومت جدید نبود، بنابراین تدوین قانون اساسی نوین یک امر حتمی و بایسته تلقی می‌شد. قانون اساسی جدیدی باید تدوین می‌شد که حقوق اساسی بشری و آزادیهای فردی بنیاد آن را تشکیل می‌داد، با عصر خویش سازگار می‌بود، از تجربه پیشینیان در امر قانون اساسی نویسی سود می‌برد و نهایتاً از جنبه‌های مثبت قانون اساسی قبلی استفاده می‌کرد:

قانون اساسی باید مطالعه بشود، بعضی از چیزهایش که مخالف با اسلام است باید کنار گذاشته شود. البته این باید برای زندگی فعلی مناسب باشد. اصولاً قانون جدیدی را باید تدوین کنیم... اکنون مشغول تهیه قانون اساسی جدیدی می‌باشیم.^{۲۹}

به طور کلی تا این زمان دو مورد قطعی تلقی شده بود:

۱- حذف سلطنت و قانون اساسی مشروطه؛

۲- تدوین قانون اساسی جدید.

گفتار دوم) عنوان یابی برای مجلس تدوین کننده قانون اساسی جدید

سخن یک) مجلس مؤسسان

امام خمینی (س) برای نخستین بار از مجلسی به نام مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی جدید نام بردند:

انتخابات برای مجلس مؤسسان بدون مهلت انجام خواهد گرفت.

کسانی که خرابکار نباشند حق رأی دارند.^{۳۰}

امام خمینی (س) در برخی مصاحبه‌های بعدی از ذکر عنوان مجلس مؤسسان خودداری و تنها به یادآوری واژه مجلس اکتفا کردند:

نمایندگان ملت در مجلس مراحل قانونی آن را انجام خواهند داد و

قانون اساسی این جمهوری را تدوین و تکمیل خواهند کرد.^{۳۱}

اما در پیامی که در مورد تشکیل شورای انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ دی ماه ۱۳۵۷ یعنی دقیقاً یک ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی دادند، به صراحت از مجلس مؤسسان و وظیفه آن نام بردند:

دولت جدید موظف به انجام مراتب زیر است:

۱ - تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم به منظور تصویب

قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی؛

۲ - انجام انتخابات بر اساس مصوبات مجلس مؤسسان و قانون

اساسی جدید.^{۳۲}

و بنیادی‌ترین شرط تدوین این قانون اساسی را اسلامی بودن آن معرفی کردند.

تشکیل مجلس مؤسسان از وظایف شورای انقلاب و دولت موقت دانسته شد:

هدف این است که شورای انقلاب یک حکومت موقتی ایجاد کند

که آن حکومت موقت، مجلس مؤسسان را تأسیس کند برای تصویب

قانون اساسی و بعد بقیه کارها.^{۳۳}

پس از آنکه محمدرضا پهلوی از ایران خارج و متزلزل شدن پایه‌های رژیم بیش از پیش آشکار شد، پیامهای حضرت امام (س) صریحتر و امیدواریها افزون‌تر گشت: دولت موقت برای تهیه مقدمات انتخابات مجلس مؤسسان به زودی معرفی می‌شود.^{۳۴} با ورود امام خمینی (س) به کشور و استقبال بسیار شکوهمند از ایشان، در سخنرانی مشهور خود در بهشت زهرا، امر تدوین قانون اساسی را به عهده مجلس مؤسسان گذاشتند.^{۳۵} سه روز بعد در سخنانی که به مناسبت معرفی مهندس مهدی بازرگان به سمت نخست‌وزیری دولت موقت ایراد کردند باز هم بر تشکیل مجلس مؤسسان تأکید نمودند:

رئیس دولتی را معرفی می‌کنیم، موقتاً دولتی تشکیل بدهد که هم به این آشگفتیها خاتمه بدهد و هم یک مسأله مهمی که مجلس مؤسسان است، انتخابات مجلس مؤسسان را درست کند و مقدمات آن را درست کند و مجلس مؤسسان تأسیس بشود.^{۳۶}

در متن حکم نخست‌وزیری ایشان وظایف دولت را مبنی بر تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید،^{۳۷} گوشزد کردند. یک هفته قبل از پیروزی انقلاب اسلامی زمانی که افسار کلیه امور از دست متولیان رژیم سلطنتی خارج شده بود، امام خمینی (س) با علم به اینکه تدوین قانون اساسی جدید زمان خواهد برد، با هوشیاری رأی به قوت قانون اساسی مشروطیت دادند و بی‌اعتبار شدن آن را فقط منوط به انتخابات عمومی اعلام کردند:

این قانون غیر از بسیاری از موادش که به زور در او وارد شده است تا ملت رأی بر خلاف نداده است به قوت خود باقی است.^{۳۸}

چهار روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هم از مردم خواستند تا از دولت موقت حمایت کنند و مجلس موکلین ملت را هر چه زودتر سر و سامان دهند.^{۳۹} واژه موکلین را

می‌توان هم در مورد اعضای مجلس مؤسسان صادق دانست و هم در مورد اعضای مجلسی که بعدها به نام خبرگان مشهور شد. امام خمینی (س) به طور مکرر خواستار حمایت جدی مردم از دولت موقت برای تدوین قانون اساسی شدند:

از دولت خود پشتیبانی کنید، من پشتیبان او و شما پشتیبان او... تا قانون اساسی جدید را به رأی ملت تثبیت کند.^{۴۰}

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، ملت ایران در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به اتفاق آرا به جمهوری اسلامی رأی آری دادند. امام خمینی (س) در اعلامیه ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ که به مناسبت همه پرسی صادر کردند با نام بردن از مجلس مؤسسان خواستار برداشتن گامهای بعدی از سوی ملت شدند:

قدمهای بعدی را بردارید و با فرستادن طبقه فاضله و امنای خود در مجلس مؤسسان، قانون اساسی جمهوری اسلامی را به تصویب رسانیده و ... به امنای امت رأی دهید تا مجالی برای بداندیشان نماند.^{۴۱}

تنها مسأله‌ای که تا این زمان باعث به تأخیر افتادن تدوین قانون اساسی شده بود، استقرار نظام جدید، بود. پس از استقرار نظام، ساختار نوینی حاکمیت یافت و وقت آن بود که حکومت و دولت به معنای اکمل کلمه مستقر شوند و این مقصود حاصل نمی‌شد مگر با تدوین قانون اساسی جدید. در این مرحله امام با تمام توان به میدان آمدند تا مردم را تشویق کنند که این بار خود را برای تشکیل مجلس مؤسسانی که قانون اساسی جدید را پی‌ریزی کند، مهیا سازند:

شما جوانها و شما مرد و زن ان شاءالله در انتخاباتی که در پیش داریم برای مجلس مؤسسان که قانون اساسی جمهوری اسلامی را آنها باید تصویب کنند ... با عشق و علاقه تعیین کنید اشخاص فاضل، اشخاص امین را، اشخاص متدین امین فاضل را برای اینکه بروند در

مجلس مؤسسان و قانون اساسی جمهوری اسلامی را تصویب کنند.^{۴۲}

امام با تکیه و تأکید تشکیل این مجلس را به طور مکرر خاطر نشان می‌کردند و برای آگاهی هر چه بیشتر مردم صفات افرادی را که قرار بود انتخاب شوند متذکر می‌شدند. برخی از تأکیدات ایشان بدین قرار است:

(۱) افاضل و امنای ملت، نه چپ‌گرا و نه راست‌گرا؛

(۲) ارج‌گذاران به اسلام؛

(۳) کشور خواهان و کسانی که مصالح اسلام و مسلمین را فروگذار نمی‌کنند؛

(۴) صد درصد ملی، متدین، نه چپ‌رو نه راست‌گرا و از خودمان باشند؛

(۵) وکلای اسلامی و امین و فضیلتی ملت؛

(۶) دانشمند و وفادار به ایران و متعهد به اسلام و دارندگان صراط مستقیم.^{۴۳}

امام خمینی (س) ضمن تأکید بر ویژگیهای اعضای این مجلس به مردم بشارت دادند که شاید افراد صالح را به آنان معرفی کنند:

برای مجلس مؤسسان باید اشخاصی که در مجلس مؤسسان می‌روند اشخاص امین باشند، اشخاص فاضل باشند، اشخاص مطلع باشند گرایش نداشته باشند به چپ و راست، ملی باشند، مستقل باشند، فکرشان مستقل باشد ... وقتی که مجلس مؤسسان بنا شد به پا شود و کیلی که صالح باشد بفرستید و شاید در آن وقت من به شما معرفی بکنم اشخاصی را که صالح هستند.^{۴۴}

افزون بر این، امام خمینی (س) از ملت خواستند با حضور جدی و گسترده خود در انتخابات مجلس به تشکیل آن کمک کنند^{۴۵} و از بانوان نیز خواستند که صحنه را خالی نگذارند.^{۴۶} این همه برای آن است که ساختار نظام هر چه سریعتر پابرجا گردد:

ان شاء الله جمهوری اسلامی مستقر بشود. الان استقراری ندارد. ما قانونمان باز، چیز نشده است، تصویب نشده است.^{۴۷}

امام بویژه به وحدتی که در کشور وجود داشت اشاره می‌کنند، وحدتی که در سایه آن می‌توان به نحو احسن نظام را تثبیت کرد و تصریح می‌کنند که باید در کار تدوین قانون اساسی تسریع شود: لازم است ملت مبارز ایران هر چه زودتر سرنوشت آینده مملکت خویش را به دست گیرد.^{۴۸}

سخن دو) مجلسی دیگر بدون نام مؤسسان

پس از تأکیدات حضرت امام (س) در مورد تشکیل مجلس مؤسسان، نظرهای گوناگونی در این زمینه ابراز شد؛ نحوه تشکیل این مجلس، چگونگی انتخاب افراد واجد صلاحیت، تعداد آنان، مدت مورد نیاز برای تشکیل مجلس، مدتی که تدوین قانون اساسی در آن به طول می‌انجامد، از جمله مشکلات زمان‌گیری بود که تدوین قانون اساسی را به تعویق می‌انداخت و به نظر امام خمینی (س) طرح اینگونه مشکلات و مناقشات مخالف با هدف اصلی بود. بدین جهت نخستین تشکیک را در این مورد وارد ساختند:

حالا اگر ما بخواهیم یک مجلسی، مجلس مؤسسانی درست کنیم ... باید چراغ برداریم و بگردیم این ور، آن ور ببینیم تازه یک آدمی که امین باشد، یک آدمی که ملی باشد، جهات شرقی نداشته باشد، جهات غربی نداشته باشد، خدمتگزار به اسلام باشد، خدمتگزار به کشور باشد، این را باید چراغ برداریم از این ور به آن ور بگردیم پیدا کنیم.^{۴۹}

و سپس اعلام کردند که حتی امکان دارد مجلس مؤسسانی هم در کار نباشد.^{۵۰} ذهنیت ایشان در واژه‌هایی که در فرمان به مهندس بازرگان در مورد تصویب قانون اساسی به کار برده بودند، معلوم می‌شد:

از این رو طرح قانون اساسی را که شورای طرحهای انقلاب مشغول

تلوین و تکمیل آن هستند با سرعت تکمیل و به تصویب شورای انقلاب رسانده و هر چه زودتر در اختیار افکار عمومی بگذارید تا همه صاحب نظران و تمامی اقشار ملت در مدت محدودی که تعیین می‌نمایید پیشنهادها و نظرات خود را درباره آن ابراز نمایند.^{۵۱}

امام معتقد بودند در عین سرعت و مدت زمان محدود، از تشکیل مجلس مؤسسان عریض و طویل هم باید خودداری شود و در نهایت قانون اساسی مدون هم به رأی مردم گذاشته شود ولی این مراحل همه مشروط به شرطی مهم بود که از نظر امام اهمیتی دو چندان داشت:

سعی شود که تمام این مراحل در اسرع وقت انجام گیرد تا ارکان حکومت جمهوری اسلامی استقرار یابد.^{۵۲}

زمانی که حضرت امام (س) به این نتیجه رسیدند که معارضه جویی‌هایی در مقابل نظر ایشان به وجود آمده است، برای نخستین بار به طور صریح از نمایندگان به جای مؤسسان نام بردند.^{۵۳} ایشان معتقد بودند تشکیل مجلس مؤسسانی با آن عرض و طول توطئه و خطر است:

توطئه این است که تصویب قانون اساسی را به تعویق بیندازند یک سال، دو سال به بحث و شور قرار بدهند و ریشه‌های گندیده به هم متصل بشوند و اساس اسلام را از بین ببرند.^{۵۴}

زیرا تشکیل چنین مجلس مؤسسانی خود به خود به معنای تعویق تصویب قانون اساسی است و این تعویق:

موجب این می‌شود که اشخاص توطئه‌گر در مرزهای ما در داخل، در خارج با هم متصل بشوند و با اتصال با هم اصل قانون اساسی و اصل اساس را پایمال کنند.^{۵۵}

در حالی که از حیث نمایندگی از جانب ملت، بین مجلس مؤسسان و مجلسی با نام

دیگر تفاوتی وجود ندارد:

مجلس مؤسسان برای این است که مردم مستخین خودشان را تعیین کنند و این فرق ندارد بین آن که طرح فعلی دولت باشد.^{۵۶}

شدیداللعن ترین سخن امام خمینی (س) درباره طرد مجلس مؤسسان چنین بیان می شود:

لکن اگر آن مجلس مؤسسان با طول و عرض و عمق که دو سال سه سال باید طول بکشد تا قانون تصویب بشود اگر آن طرح را ما بخواهیم از این روشنفکران غریزه که بعض از این قشرهای روشنفکر هستند، از این مزدوران با توجه، از آنهایی که می خواهند رژیم سابق را برگردانند و یا شبیه آن را، از آنهایی که از آن طرف مرزها به آنها کمک می شود، از آنهایی که مزد می دهند به کارگراها که کار نکنند، از آنهایی که اسلام را کهنه می دانند، از آنهایی که از اسلام می ترسند، اگر ما بخواهیم به تعویق بیندازیم و آن طوری که آنها با شیطنت طرح کردند مع الاسف باید برای اسلام فاتحه بخوانیم باید برای کشور خودمان فاتحه بخوانیم.^{۵۷}

و طرح مجلس مؤسسان با چنین ویژگیهایی را الهام گرفته از شیاطین غرب دانستند و باز هم بر تسریع در تصویب قانون اساسی تأکید کردند. ایشان در عین حال چنین مجلسی را خطری برای اسلام و رسول الله (ص) و امام زمان (عج) دانستند.^{۵۸} همچنین اذعان کردند مجلس دیگری که قرار است برای تصویب قانون اساسی تشکیل شود باز نمایندگان خود ملت هستند و از این جهت با مجلس مؤسسان تفاوت ندارد. امام اشکال دیگری را نیز بر مجلس مؤسسان وارد دانستند و آن اینکه چنین مجلسی غربی است و ما نیازمند حقوقدان غربی نیستیم: ما می خواهیم قانون اسلامی بنویسیم، از غرب بیایند نظر بدهند.^{۵۹} هر چند که از حیث وکالت، بین نمایندگان مجلس مؤسسان و مجلسی با نام دیگر

تفاوتی قائل نبودند:

نگویند که ما مجلس مؤسسان کوچک را نمی‌خواهیم ... مگر مجلس مؤسسان چی است؟ جز این است که اشخاصی که مردم آنها را انتخاب می‌کنند باید بنشینند و قانون را ملاحظه کنند؟ باید حتماً ششصد نفر، هفتصد نفر باشند تا نوبت به شما هم برسد؟ اگر تمام ملت پنجاه نفر را تعیین کنند، اینها وکیل ملت نیستند؟^{۶۰}

والا به زعم امام خمینی (س) از اول هم قرار بر چیز دیگری بوده است:

ما برای خاطر اینکه این نق نق‌ها کم بشود گفتیم یک مجلسی هم درست بشود، شما اسمش را مجلس مؤسسان بگذارید. اگر خیلی دلتان می‌خواهد غریبی باشید ... قاعده این بود قانون را بنویسیم، منتشر کنیم، در همه بلاد و همه مردم ببینند. بعد به آنها بگوییم این را می‌خواهید یا نه؟ رفراندم کنیم.^{۶۱}

و باز هم به تسریع در امر تدوین قانون اساسی اشاره صریح کردند: یک چیزی که با دو ماه می‌شود اصلاحش کرد، به دو سه سال سه چهار سال طولش بدهند.^{۶۲}

سرانجام تشکیل مجلس مؤسسان به دلیل ائتلاف وقت و احتمال اتحاد نیروهای مخالف جمهوری اسلامی و امکان براندازی نظام کاملاً مردود اعلام شد. یکی از دلایلی که در تغییر دیدگاه حضرت امام در مورد مجلس مؤسسان تأثیر داشت مخالفتها و موافقتهایی بود که در این خصوص اظهار می‌شد. هواداران تشکیل مجلس مؤسسان معتقد بودند که: اولاً تدوین قانون اساسی از عهده هر کسی بر نمی‌آید و مستلزم تخصص و مهارت بسیار است. ثانیاً اگر مجلس مؤسسان قانون اساسی را تدوین کند، مورد تأیید سایر کشورهای جهان نیز قرار خواهد گرفت. مخالفان تشکیل مجلس مؤسسان معتقد بودند که: اولاً تشکیل مجلس مؤسسان نیازمند ضوابط و قوانینی است که در حال حاضر و در چنین شرایطی موجود نیست. ثانیاً کشور هم در این زمان دچار شرایط ویژه‌ای

است: ضد انقلاب، جنگ روانی، خونریزی و جدال؛ بنابراین نمی‌توان سرنوشت تدوین قانون اساسی را به دست رویدادهایی سپرد که همگی آشفته ساز هستند. ثالثاً در عین حال اگر مهلتی هم در نظر بگیریم و تدوین قانون اساسی را منوط و محدود به زمان خاص کنیم خود شرط محدود کننده‌ای است.^{۶۳} بنابراین در چنین شرایطی:

در جلسه مشترک اعضای دولت موقت و شورای انقلاب که در حضور امام در قم تشکیل شد، دو نظر مطرح گردید: نظر اول اینکه به علت کمی وقت، از تشکیل مجلس مؤسسان صرف نظر گردد و پیش‌نویس قانون اساسی به رفراندوم گذاشته شود. نظر دیگر اینکه به ترتیب موعود به ملت مجلس مؤسسان به منظور بررسی و تصویب قانون اساسی تشکیل گردد. بالاخره با تصویب اکثریت و موافقت امام خمینی (س) مقرر گردید مجلس بررسی قانون اساسی معروف به خبرگان با تعداد کمتری تشکیل گردد و طرح پیشنهادی قانون اساسی بعد از بررسی، به همه پرسى گذاشته شود.^{۶۴}

گفتار سوم) مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی جدید به عنوان مجلس تدوینگر

امام خمینی (س) اول بار در سخنرانی شدیدالحن ۲۵ خرداد ۱۳۵۸، از خبرگان اسلامی یاد کردند و در آن ضمن مخالفت مجدد با تشکیل مجلس مؤسسان از نام دیگری استفاده کردند که همان خبرگان اسلامی، روحانی اسلامی و علمای متعهد بود.^{۶۵} دلیل آن را هم در جایی دیگر چنین مطرح کردند:

ما می‌خواهیم یک مملکت اسلامی درست بکنیم. ما نمی‌خواهیم یک مملکت غربی درست کنیم ... ما قانون اساسی مسکو را که نمی‌خواهیم درست بکنیم، ما قانون اساسی امریکا را که نمی‌خواهیم، ما می‌خواهیم قانون اساسی اسلام را درست کنیم.^{۶۶}

سپس شرط محدود کننده دیگری هم گذاشتند:

اسلام شناس باید در اینجا دخالت داشته باشد، اسلام شناس روحانیون هستند و بعضی از اشخاصی که در روحانیت داخل هستند ولو از صنف دیگر هستند لکن اطلاعات اسلامی - سیاسی دارند.^{۶۷}

و ضمن یادآوری به تسریع در تدوین قانون اساسی و تأیید طرح دولت مبنی بر تشکیل یک مجلس هفتاد و پنج نفره، خواهان مغتنم شمردن فرصتها شدند:

این طرح را قبول کنید و به مردم هم تزریق کنید که همین طرح صحیح است. باقی اش برای اینکه می خواهیم این زود بگذرد... توطئه است.^{۶۸}

و باز هم به سرعت و تعجیل در استقرار و تدوین قانون اساسی اشاره کردند:

ما حالا باید قانون اساسی را آن طوری که برای اسلام باشد تحکیم کنیم تصویب کنیم و این هم زود باید تصویب شود.^{۶۹}

و ضمن مردود شمردن مجدد مجلس مؤسسان، آن را محصول توطئه غریبها و امریکاییها تلقی کردند: طرحی است که یا از غرب ریخته شده است و یا از آنجایی که شاه در آن جاست.^{۷۰}

بار دیگر نیز اشاره کردند که هم کارها باید سریعتر انجام شود و هم طرح تشکیل مجلس مؤسسان فراموش شود چون اهداف انقلاب اسلامی را برآورده نمی کند:

ما مجلس مؤسسانی که غریبها می گویند نمی خواهیم، ما همین معنایی که دولت گفته است و زود انجام می گیرد نه آنی که یک سال، دو سال سه سال طول بکشد که خدای نخواسته یک وقت این تزلزل اسباب این بشود که به هم بخورد اینها.^{۷۱}

بنابراین همه بایستی روی پیش نویس قانون اساسی مطالعه کنند و نظر بدهند و این کار را با عنایت به مهلت یک ماهه و همچنین با توجه به اینکه علما بیش از دیگران حق

نظر دارند انجام دهند: همه نظر داریم و شما علمای اعلام بیشتر حق نظر دارید.^{۷۲}
و به ملت هم توصیه کردند که علما را انتخاب کنند زیرا: وقتی سرنوشت اسلام باید در
یک مجلس تعیین شود، حق علما است که بروند.^{۷۳}

از نظر ایشان همه حق داشتند در مورد پیش‌نویس قانون اساسی رأی و نظر دهند ولی
روحانیون در موارد اسلامی آن بیشتر، سپس امام خمینی (س) روشی را که جمهوری
اسلامی برای تصویب قانون اساسی جدید در پیش گرفته بود ستودند و آن را بهترین
روش اعلام کردند: هیچ دموکراسی بالاتر از این نیست که یک مطلبی در اختیار مردم دو دفعه
[باشد].^{۷۴}

همچنین صفاتی را نیز برای اعضای این مجلس برشمردند: مؤمن به نهضت، معتقد
به جمهوری اسلامی، ملی، متدین، مطلع، متعهد و عقیده‌مند، حرکت‌کننده در صراط
مستقیم انسانیت و اسلام،^{۷۵} با اذعان به اینکه چنین افرادی کمیاب هستند:

دیشب آقای بازرگان می‌گفت خوب ما هر چی می‌گردیم پیدا
نمی‌کنیم، درست هم می‌گوید. برای پنجاه سال کوشش شد که نگذارند
آدم پیدا بشود.^{۷۶}

این سخن هم متضمن مخالفت مضمراً با مجلس مؤسسان و هم موافقت ضمنی با
مجلس خبرگان کم‌تعداد بود. بنابراین به نظر ایشان بایستی مجلسی از خبره‌های اسلامی
تشکیل شود: فردا که بناست مجلس خبرگان درست بشود خبره اسلامی تهیه کنند.^{۷۷}
به نظر امام از دست دادن فرصتها برای تدوین قانون اساسی مقدمه‌ای برای پذیرفتن
شکست بعد از کسب پیروزی بود:

قانون اساسی نداریم اینها را باید درست کنیم. پس ما بین راهیم
مثل یک لشکر فاتح می‌ماند که زده و رفته و یک جایی را گرفته است
لکن معلوم نیست که بتواند حفظش کند.^{۷۸}

در حالی که برای حفظ پیروزی باید سرداران کارآمد را به میدان فرستاد، کسانی که نه

تنها خود از انحراف بدورند بلکه اعوجاجها را زود تشخیص می دهند و تحت تأثیر دیگران قرار نمی گیرند:

اگر امروز چهار نفر از این معوجها بروند در این مجلس خبرگان ممکن است این چهار نفر آدم توطئه چی مطلع از مسائل خارج، این دیگران را هم بسیاریشان را تحت تأثیر قرار بدهند.^{۷۹}

بنابراین همه کوشش و تلاش امام خمینی (س) بر آن قرار گرفته بود که هر چه زودتر مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی تشکیل و اساس و مقدرات مملکت معلوم شود. بنابراین بایستی در عین تسریع، روی یک متن پیش نویس کار شود تا هر چه زودتر، نوع و محتوای حکومت استقرار یابد:

من چون می بینم که حالا که صحبت قانون اساسی است هی طرحهای زیادی می آید که بسیارش انقلاب آمیز است و بسیارش شلوغ بر هم کردن است، مخالف ایجاد کردن است.^{۸۰}

بنابراین تسریع در استقرار شرط اساسی است و این راهی است که باید به سرعت طی شود و تمام توجه ها به آن معطوف گردد: ما امروز باید تمام توجه مان را به طرح قانون اساسی و انتخاب خبرگان منعطف کنیم.^{۸۱}

امام هر از چندگاهی مجدداً بر اسلامی بودن قانون اساسی تأکید می کردند که در نظر ایشان اصلی اجتناب ناپذیر بود: قانون اساسی ما باید اسلامی باشد و اگر حرفی از اول اسلامی نباشد نه من رأی خواهم به آن داد نه ملت.^{۸۲}

و از همه علاقه مندان به اسلام نیز دعوت کردند در انتخابات مجلس خبرگان به طور گسترده شرکت کنند، اما نکته مهمتری که در سخنان خود مطرح می کردند این بود که:

این قانون پیش نویس است، پیش نویس هیچ چیز نیست. باید رأی بدهید، باید نظر بدهید و مهم این است که خبرگان باید خبرگان اسلامی، امین، مسلمان ... باشند.^{۸۳}

حضرت امام (س) در پیامی که به مناسبت انتخابات مجلس خبرگان دادند مجدداً بر خبره بودن اعضای مجلس و خصوصیات خبرگان تأکید کردند. همین احاطه ایشان بر روند امور انقلاب اسلامی باعث شد که حتی در انتخابات مجلس خبرگان و بررسی نهایی قانون اساسی تحت الشعاع دستوره‌های ایشان قرار گیرد:

من امیدوارم که ملت شریف از ارشاد علمای اعلام خود بهره‌مند شده و اسلام و مصالح کشور اسلامی را با این عمل انسانی - اسلامی حفظ نمایند.^{۸۴}

و قول دادند که راجع به قانون اساسی و خبرگان مطالبی را بیان کنند، مطالبی که نشان می‌داد ایشان و یاران و همفکرانشان جداً قصد دارند که نمایندگان مجلس بررسی قانون اساسی از سوی ملت به طرز انتخاب شوند که در اسلامی بودن نظام و قانون اساسی خلل و خدشه‌ای وارد نشود. بنابراین از مردم خواستند که: ملت عزیز مسلمان از اسلام و کشور اسلامی پاسداری کنید و به سوی صندوق آرا هجوم آورید.^{۸۵}

با انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان و با اطمینان از اینکه هم طرح مجلس مؤسسان دیگر محلی از اعراب ندارد و هم اکثریت بسیار قابل توجهی از خبرگان، روحانیان عالی مقام و فقها هستند، امام خمینی (س) توصیه‌هایی جدی به خبرگان نمودند که هم مسیر آینده قانون اساسی را مشخص می‌کرد و هم هشدار می‌داد که برای کسانی که بخواهند از این خط مشی عدول کنند:

باید این قانون اساسی ما مطابق با شرع، در چهارچوب شرع، اگر یکی از وکلا یا همه وکلا بخواهند از این چهارچوب خارج بشود، اصلاً وکیل نیستند برای ما.^{۸۶}

ایشان باز هم با تأکید قید کردند که قانون اساسی باید به صورت تام و تمام اسلامی باشد و هر چه غیر از آن باشد به معنای خروج از حدود وکالت است:

وکالت آنان محدود به حدود جمهوری اسلامی است و اظهار نظر و

رسیدگی به پیشنهاد‌های مخالف اسلام یا مخالف نظام جمهوری
خروج از حدود وکالت آنهاست.^{۸۷}

در عین حال باز هم قیدی دیگر بر کار مجلس خبرگان افزودند و تنها فقها را لایق دخالت در تشخیص موافقت یا مغایرت مواد قانون اساسی با احکام شرع دانستند. البته در پیامی که به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان صادر شد، امام خمینی (س) توصیه کردند که از دانش سایر متخصصان در زمینه‌های غیر مربوط به شرع و فقه نیز استفاده شود:

در میان نمایندگان افراد فاضل ولایقی هستند که در رشته‌های
حقوقی و اداری و سیاسی تخصص دارند و صاحب‌نظرند که از
تخصصشان در همین جهات قوانین استفاده می‌شود و در صورت
اختلاف متخصصان نظر اکثریت متخصصان معتبر است.^{۸۸}

به نظر می‌رسد کلیه این اقدامات مقدمه‌ای بود برای طرح محوری‌ترین اصل نوین‌یاد قانون اساسی یعنی ولایت فقیه. اما نکته مهم دیگری که امام پیش از این بر آن اصرار داشتند عبارت بود از تعجیل در کار و این توصیه را به نحوی مؤکد با اعضای مجلس هم در میان گذاشتند:

من از مجلس خبرگان می‌خواهم که اینقدر معطل نکنند مردم را،
البته باید بررسی شود لکن معطلی نشود. اشخاص بیخود معطل نکنند
مجلس را، ما می‌خواهیم که زودتر این مسائل انجام بگیرد ... آقایان
زودتر کار خودشان را انجام بدهند.^{۸۹}

در زمانی که مسأله بسیار مهم ولایت فقیه در مذاکرات مجلس خبرگان مورد بحث و بررسی قرار گرفت، عده‌ای بر آن شدند که این مجلس هم از مدت زمان مقرر، هم از پیش نویس مقرر و هم از آیین نامه مصوب عدول کرده است پس باید منحل شود. در حالی که مقصود اصلی آنان این بود که بنا نبوده است و نیست که مسأله‌ای به نام ولایت فقیه در قانون اساسی گنجانده شود. امام صراحتاً انحلال مجلس خبرگان را توطئه

خواندند:

ملت آن است که تعیین کرد سرنوشت خود را و قانون اساسی اش را داده دست یک عده ملا و مجتهد در مجلس، توجه اشکال داری؟ می‌گویید که ما به زور باید این آقایان را کنار بگذاریم و یک دسته مثلاً دموکرات بیاوریم توی کار، زوری که نیست.^{۹۰}

و به اعضای مجلس خیرگان قانون اساسی توصیه مؤکد کردند که موظفند قانون اساسی را اسلامی بنویسند و تصویب کنند. چنین توصیه‌ای برای گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی پشتوانه‌ای شد؛ زیرا در پیش‌نویس قانون اساسی که به نظر می‌رسد امام خمینی (س) هم آن را تصویب کرده بودند، اصلی مبنی بر وجود رهبری و ولایت فقیه گنجانده نشده بود و بالاترین مقام کشور رئیس جمهور بود. اما سرانجام با حمایت‌های امام این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گنجانده شد.

گفتار چهارم) گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران

با توجه به اینکه از جمع ۷۲ نفره مجلس خیرگان ۴۱ نفر مجتهد، ۱۲ نفر دوره خارج خوانده، ۳ نفر آشنا به سطح و ۲ نفر آشنا به مقدمات بودند و جمعاً ۵۸ نفر تحصیلات حوزوی داشتند^{۹۱} و با توجه به اینکه رهبر انقلاب نیز فقیهی عالیقدر بودند که مرجع تقلید هم محسوب می‌شدند، معلوم بود که گنجاندن اصل ولایت فقیه و امامت امت توسط فقیه جامع الشرایط، امری کم و بیش سهل و آسان می‌نمود. دست کم آنکه از درون مجلس کمتر مخالفتی مشاهده می‌شد. شاهد مدعا آنکه، اصل پنجم قانون اساسی از میان ۶۵ رأی مأخوذه با ۵۳ رأی موافق هشت مخالف و چهار ممتنع به تصویب رسید.^{۹۲}

| آرا مأخوذه اصل پنجم | | سطح تحصیلات | |
|---------------------|----|--------------|--------|
| کل آرا | ۶۵ | کل نمایندگان | ۷۲ نفر |
| موافق | ۵۳ | مجتهد | ۴۱ نفر |
| مخالف | ۸ | خارج | ۱۲ نفر |
| ممتنع | ۴ | سطح | ۳ نفر |
| | | مقدمات | ۲ نفر |
| | | جمع | ۵۸ نفر |

از مقایسه میان این اعداد و ارقام نتیجه‌ای جالب توجه به دست می‌آید و آن اینکه دو رقم ۸۰/۵۵۵ درصد و ۸۱/۵۳۸ درصد بسیار به یکدیگر نزدیکند. در هر حال زمره‌هایی مبنی بر مخالفت با طرح اصل ولایت فقیه در قانون اساسی شنیده می‌شد که باز هم امام خمینی (س) با جدیت در مقابل آن موضع گرفتند:

می‌خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند، گوش ندهید. اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. ولایت فقیه فاجعه نیست. ولایت فقیه تبع اسلام است.^{۹۳}

و از اصل ولایت فقیه به طور جدی حمایت کردند:

قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است.^{۹۴}

از بیانات امام می‌توان چنین برداشت کرد که موافقان انحلال مجلس خبرگان عمدتاً به دلیل طرح مسأله ولایت فقیه یا به میدان گذاشتن چون ولایت فقیه را دیکتاتوری قلمداد می‌کردند. امام خمینی (س) در پاسخ به آنان فرمودند: ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است نه دیکتاتوری.^{۹۵}

همچنین تأکید کردند:

من نمی‌دانم که این آقایان باید منحل بشود چه کاره‌اند که می‌گویند باید منحل بشود. برای چه منحل بشود؟ ... برای اینکه آقایان به اسلام عقیده دارند و احکام اسلام را دارند جمع می‌کنند.^{۹۶}

و به موافقان انحلال و مخالفان اصل ولایت فقیه گوشزد کردند که:

ولایت فقیه می‌خواهد جلو دیکتاتوری را بگیرد نه اینکه می‌خواهد دیکتاتوری بکند ... ولایت فقیه از روز اول تا حالا بوده. زمان رسول الله (ص) تا حالا بوده. این حرفها چه است که می‌زنند اینها.^{۹۷}

ایشان مخالفان را به جهالت در مورد اصل ولایت فقیه متهم کردند:

اینها اصلاً اطلاعی ندارند که قضیه ولایت فقیه چی هست. اصلاً از سر و ته ولایت فقیه سر در نمی‌آورند که اصلاً چی چی هست. مگر امیرالمؤمنین (ع) که ولی امور مردم بود دیکتاتور بود.^{۹۸}

و اصل ولایت فقیه را مترقی و هدیه خداوند تبارک و تعالی دانستند:^{۹۹}

آنقدر به ولایت فقیه اثر مترقی بار است که در سایر این موادی که شما ملاحظه می‌کنید معلوم نیست مثل آنجا باشد. یک نفر آدم که همه جهات اخلاقی اش و دیانتی اش و ملی بودنش و علم و عملش ثابت است پیش ملت و خود ملت این را تعیین می‌کند.^{۱۰۰}

امام خمینی (س) ولایت فقیه را نه تنها عامل دیکتاتوری نمی‌دانستند بلکه مانع آن نیز تلقی می‌کردند:

گمان می‌کنند که اگر چنانچه ولایت فقیه در قانون اساسی بگذرد این اسباب دیکتاتوری می‌شود، در صورتی که ولایت فقیه است که جلو دیکتاتوری را می‌گیرد. اگر ولایت فقیه نباشد دیکتاتوری می‌شود.^{۱۰۱}

پس از تصرف سفارت امریکا در ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ و با توجه به استعفای دولت موقت مهندس بازرگان، امام خمینی (س) ضمن پذیرش استعفای آنان، طی فرمانی به

شورای انقلاب اسلامی، وظیفه آنان را تهیه مقدمات همه‌پرسی قانون اساسی بدون مجال، تعیین فرمودند. بنابراین با تلاش و کوشش برخی از خبرگان قانون اساسی و حمایت همه جانبه‌ای که حضرت امام (س) از آنان به عمل آوردند و با توجه به کثرت فقهای مجلس خبرگان، اصل ولایت فقیه که پیش از آن در لابه‌لای کتب فقهی و بحثهای حوزوی، غنوده بود به یکباره در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متجلی شد و به تعبیری محوری‌ترین و اساسی‌ترین اصل قانون اساسی قلمداد گشت. حال برای به ثمر نشستن دستاورد مجلس خبرگان می‌بایست به آرا ملت رجوع می‌شد. در این مرحله هم امام خمینی (س) با حمیتی شگرف و با تمام توان وارد صحنه شدند، صحنه‌ای که اغلب قریب به اتفاق ملت ایران در آن حضور داشت و امام خود را بخوبی یاری داد.

گفتار پنجم) همه‌پرسی تصویب قانون اساسی و مسأله متمم و اصلاح آن

پس از تدوین قانون اساسی که با اصرار امام خمینی (س) در حداقل زمان ممکن تهیه شده بود تنها یک مورد باقی مانده بود تا نظام جمهوری اسلامی به طور کلی تثبیت گردد و استقرار یابد و آن هم رأی آری به قانون اساسی بود. در چنین گام مهم و حساسی، امام خمینی (س) به مخالفان قانون اساسی هشدار دادند که در کار تصویب قانون اساسی سنگ اندازی نکنند و مردم را ترغیب کردند که در انتخابات شرکت کنند:

نترسانند مردم را از این قانون اساسی که تصویب کردند، عده کثیری، عده‌ای از علمای اسلام و دانشمندان ... بروید رأی بدهید، بعد می‌خوانند برای شما، قانون را منتشر می‌کنند، مختارید در رأی دادن می‌خواهید قبول می‌کنید، می‌خواهید رد می‌کنید، اگر رد کردید باز درست‌تر نوشته می‌شود و اگر قبول کردید رأی بدهید به آن.^{۱۰۲}

امام با توصیه مؤکد از مردم خواستند که در انتخابات شرکت کنند و نسبت به سرنوشت مملکت بی‌تفاوت نباشند و هر رأیی که می‌خواهند بدهند^{۱۰۳}، ایشان انتظار

داشتند برای هر چه محکمتر کردن پایه‌های قانون اساسی تازه تدوین شده، مردم به گونه‌ای در همه‌پرسی شرکت کنند تا قانون اساسی با اکثریت قاطع تصویب شود:

ان شاء الله قانون تصویب بشود نه همین که اکثریت داشته باشند این اکثریتی که رفرا ندیم داشت ما آن اکثریت را طالبیم والا اکثریت که معلوم است. اکثر مردم مسلمند. ۱۰۴

از تشکیک کنندگان نیز با استدلال خواستند که از بهانه‌جویی دست بردارند و ملت را گمراه نسازند و ضمن صحیح خواندن قانون اساسی، به مردم توصیه کردند که به آن رأی مثبت بدهند:

اینها وکیل مردم بودند و وکیل مردم یک قانونی را یک قوانینی را چیز کردند و من تا آن اندازه که نگاه کردم بلکه شاید همه‌اش را نگاه کرده باشم انحراف اسلامی هیچ ندارد، هیچ ابدأ... این قانون اساسی قانون اساسی صحیحی است. ۱۰۵

چون قانون اساسی ثمره بزرگ جمهوری اسلامی است که رأی ندادن به آن باعث هدر رفتن خون شهدا می‌شود ۱۰۶ و در پیامشان به ملت درباره همه‌پرسی قانون اساسی نظر نهایی خود را اعلام کردند:

اینجانب در روز اخذ آرا رأی مثبت می‌دهم و از تمام برادران و خواهران عزیز خود از هر قشری و در هر مسلکی هستند تقاضا می‌کنم که به این قانون سرنوشت‌ساز رأی مثبت بدهند... از این تکلیف شرعی شما را باز ندارند. ۱۰۷

در ایامی که رأی دادن به قانون اساسی و شرکت در همه‌پرسی، مسأله روز شمرده می‌شد، عده‌ای اعتقاد داشتند که قانون اساسی ناقص است و باید اصلاح شود. ولی امام خمینی (س) که تلاش می‌کردند نظام جمهوری اسلامی هر چه سریعتر به طور همه‌جانبه استقرار یابد، معتقد بودند در آغاز، قانون اساسی و ساختارهای نظام نوین سیاسی کاملاً

استقرار یابد و سپس به نواقص قانون اساسی در یک بررسی مجدد بپردازند. از این رو قول دادند اشکالات احتمالی قانون اساسی با تنظیم متممی برطرف گردد:

اسلام بزرگتر از آن است که به واسطه یک اشکالی قابل رفع از اساس آن صرفه نظر نماید. اگر اشکالی باشد ممکن است در متمم که در نظر گرفته اند رفع شود.^{۱۰۸}

پس از آنکه قانون اساسی به همه پرسى گذاشته شد و ملت با حضور گسترده و همه جانبه خود به آن رأی آری داد، امام خمینی (س) ضمن تأیید دستاورد کار مجلس خبرگان:

این قانون اساسی که تحت نظر علما و کارشناسان اسلام تهیه شده موجب نگرانی بعضی از اشخاص هست و من هیچ نگران نیستم. قانون اساسی صحیح است... قانون اساسی همه درها را ان شاء الله دوا می‌کند.^{۱۰۹}

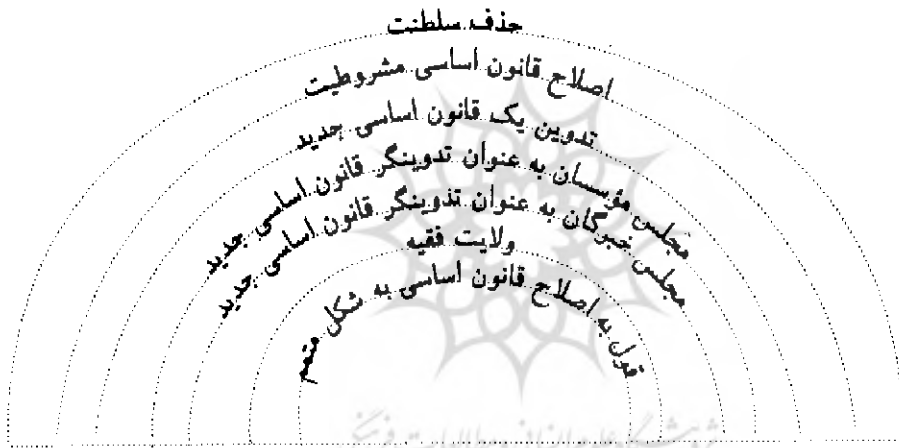
قول دادند نقیصه‌های احتمالی رفع شود:

امیدواریم که اگر فرض کنید که یک نقیصه‌ای باشد، بعدها در مجلس شورا این نقیصه رفع بشود... البته اگر چنانچه قانون اساسی یک اشتباهاتی فرض کنید در آن بشود با اینکه نشده است لکن اگر هم باشد بعدها که مستقر شد حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی مستقر شد، رئیس جمهور تعیین شد، مجلس تحقق پیدا کرد، باز ممکن است که رسیدگی بشود، اگر نقیصی داشته باشد باز نمایندگان مردم این کار را بکنند.^{۱۱۰}

اما زمانه هنگامی برای بازنگری در قانون اساسی مساعد شد که ده سال از تدوین آن گذشته بود.

پی‌گفتار

با نگاهی تحلیلی به آنچه تاکنون آمد می‌توان به نتایجی دست یافت. عنوانهای فهرست‌وار نتایج از این قرار می‌باشد: حذف سلطنت، اصلاح قانون اساسی مشروطیت، تدوین یک قانون اساسی جدید، مجلس مؤسسان به عنوان تدوینگر قانون اساسی جدید، مجلس خبرگان به عنوان تدوینگر قانون اساسی جدید، ولایت فقیه و اصلاح قانون اساسی به شکل متمم.



در گام نخست هنوز به طور قطعی مشخص نبود که سرنوشت خیزش انقلابی مردم ایران چه سرانجامی خواهد داشت. بنابراین با راهبرد حذف سلطنت، نقطه محوری آغاز مبارزات ترسیم شد؛ در برخوردی دیگر با این مسأله می‌توان دریافت که از سوی امام خمینی (س) پس از سالیانی مخالفت و مبارزه با رژیم پهلوی دوم پی برده بودند که نظام سلطنت به طور کلی اصلاح بردار نیست و باید حذف شود. از سوی دیگر می‌دانستند که استراتژی وحدت آفرین برای همه گروههای سیاسی در مبارزه علیه رژیم، همانا طرح شعارهای ضد استبدادی و ضد سلطنتی است و همین دیدگاه به امام اجازه می‌داد که رهبری نهضت انقلابی را به طرزی مثمر ثمر به عهده گیرند. ایشان اعتقاد داشتند تنها با حذف سلطنت است که می‌توان طرحهای اساسی تری چون راهیابی به مقوله جمهوری

اسلامی را پیاده کرد.

در گام دوم امام خمینی (س) همانطور که در آثار قبلی خود نشان داده بودند، ضعف و مشکل رژیم سلطنتی را نتیجه قانون اساسی مشروطیت نمی دانستند بلکه نتیجه عدم اجرا و پایمال کردن حقوق اساسی افراد ملت می دانستند که قانون اساسی مشروطیت را به شکل یک تابلوی نقاشی درآورده بود. بنابراین با حذف سلطنت، قانون اساسی مشروطیت، جایگاه از دست رفته خود را باز می یافت و با حذف اصولی که با اسلام مغایرت داشت و از سلطنت حمایت می کرد، می شد بقیه اصول آن را که ممتاز و پیشرو بود، به معرض اجرا گذاشت. استفاده از قانون اساسی مشروطیت به چند دلیل سودمند بود: قانون اساسی مشروطیت دستاورد یک نهضت بزرگ محسوب می شد بنابراین سزاوار بود از آن نگاهبانی شود و دست کم به گونه ای هوشمندانه مورد استفاده قرار گیرد. نیز می دانیم که پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأیید امام خمینی (س) بود. اگر شکل حکومت جمهوری را از این پیش نویس حذف کنیم با قانون اساسی مشروطیت شباهت بسیاری داشت. بنابراین دلیل اینکه امام خمینی (س) هر دو آنها را به طرزی نسبی پذیرفته بودند، آن است که مقومات هر دوی آنها بنیادهایی بودند که از نظر شرعی هیچ معارضه ای با اسلام نداشتند اگرچه به طور کامل و دقیق با هم منطبق نبوده اند. همچنین برای طرح یک قانون اساسی نوین، وجود پیشینه ای مناسب بسیار کارآمد بود زیرا طراحان مجبور نبودند همانند طرح و تدوین قانون اساسی مشروطیت، متن قوانین اساسی برخی کشورها را مورد استفاده قرار دهند. گرچه در این زمان هنوز به طور قطع و یقین معلوم نبود که سرنوشت رژیم شاهنشاهی به کجا ختم می شود و این خود اشارتی دیگر است.

در گام سوم هنگامی که همه پرسی غیر رسمی تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ صورت پذیرفت، مردم به صورت انبوه و قریب به اتفاق، رأی به زدودن آثار سلطنت دادند. فرار شاه، بازگشت امام خمینی (س) به وطن، تشکیل شورای انقلاب اسلامی و دولت موقت

همگی نشان از آن داشتند که وضعیت برای در هم پیچاندن طومار رژیم شاهنشاهی بسیار مناسب است. بدین ترتیب فرصت بسیار مبارکی پیش آمده بود که طرحی نو دراندازند و حکومتی را بنیان گذارند که مورد تأیید ملت نیز باشد. هنگامی که نظام جمهوری اسلامی به تأیید ملت رسید بهتر بود که قانون اساسی جدیدی برای آن تدوین و تصویب شود. این مرحله نشان دهنده پیروزی حتمی انقلاب اسلامی بود. بنابراین عقل سلیم و منطق سیاسی می پذیرفت که به طرز بنیادی هم سلطنت مشروطه به عنوان مظلوف و هم قانون اساسی مشروطیت به عنوان ظرف برانداخته و طرح نویی درانداخته شود.

در گام چهارم با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، طراحی قانون اساسی جدید حتمی شده بود. اما هنوز شیوه آن معلوم نبود. امام خمینی (س) در سخنرانیهای بسیاری از مجلس مؤسسان نام بردند. در آن دوران برخی از مشاوران سیاسی امام، حقوقدانانی بودند که در فرانسه تحصیل کرده بودند و بنیادافکنی یک قانون اساسی جدید را صرفاً در ید قدرت یک قوه مؤسس می دانستند که نمایندگی تمامی ملت را بر عهده داشته باشد. این گروه از یک سو خواهان حضور نمایندگان همه اقشار، گروهها و احزاب در مجلس مؤسسان بودند و از سوی دیگر فکر استقرار سریع و همه جانبه نظام جدید را در سر نداشتند بلکه آن را مفروض تلقی می کردند. اما امام خمینی (س) ظاهراً چنین تصویری از مجلس مؤسسان نداشتند و می توان با قاطعیت ادعا کرد که اگر ایشان از همان آغاز نسبت به تلقی آنان از نحوه تشکیل مجلس مؤسسان به عنوان مجلسی عریض و طویل که ششصد یا هفتصد نفر عضو دارد و مناقشات آن یکی دو سه سال طول می کشد، آگاه بودند از همان لحظه نخست با تشکیل آن مخالفت می کردند. از سوی دیگر دو نکته برای ایشان بسیار حائز اهمیت بود:

(۱) ایشان می خواستند در تمامی مراحل اسقاط رژیم قدیم و اثبات رژیم

جدید، مردم و ملت حضور داشته باشند و نمایندگان خود را به مجلس

بفرستند. بنابراین تأسیس مجلسی متشکل از نمایندگان ملت برای تصویب قانون اساسی ضرورت داشت.

۲) امام به هیچ وجه تمایل نداشتند که کار دراندازی قانون اساسی جدید به تعویق افتد. همه هم و غم ایشان در این بود که نظام جمهوری اسلامی هر چه سریعتر استقرار یابد و به همین لحاظ با طرح مجلس مؤسسان مخالفت کردند. مخالفت ایشان تنها به این دلیل بود که یک مجلس عربض و طویل و پر تعداد نمی‌توانست پیکره رژیم جدید سیاسی کشور را شکل دهد.

در گام پنجم از مجلس خبرگان اسلامی نام به میان آوردند. این مورد هم دلایل و نکته‌هایی چند دارد:

۱) امام به عنوان رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی در میان مردم از مقبولیتی عام برخوردار بود و اکنون فرصتی فراهم شده بود تا مقاصد اسلامی خود را به مردم عرضه کنند و مردم هم به دلیل علاقه فراوان به ایشان، آنها را با میل می‌پذیرفتند. رأی شگفت‌آور جمهوری اسلامی پیشنهادی ایشان از این نمونه بود.

۲) استدلال اساسی ایشان آن بود که مردم به جمهوری اسلامی رأی داده‌اند، پس ساختار قانون اساسی باید محدود و مقید به قوانین اسلام باشد و لازم نیست که یک قانون اساسی تقلیدی مکتوب شود.

۳) بهترین فرصت نیز برای روحانیان بود تا از مقبولیت و محبوبیت عمومی خود به نفع تدوین و تصویب قانون اساسی بهره ببرند و در روند آن دخیل شوند.

۴) دلیل دیگر آن بود که مجلس خبرگان می‌توانست با تعدادی محدودتر با سرعت بیشتر و مناقشات لفظی کمتر کار خود را به پایان رساند و این به نفع روحانیانی بود که می‌خواستند با تکیه بر حمایت امام خمینی (س) و پشتیبانی

ملت، قانون اساسی اسلامی را تصویب کنند. بنابراین خبرگان اسلامی هم استقرار را تسریع کردند و هم مقاصد امام را بهتر به منصفه ظهور رساندند.

۵) امام خمینی (س) با استفاده گسترده از محبوبیت خودشان ملت را ترغیب کردند که به اسلام شناسان و فقهای رأی دهند که تمامی تلاش و کوشش خود را در راه اسلامی کردن قانون اساسی مصروف کنند. امام از این طریق توانستند قصد دیرینه خود را مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی به اجرا درآوردند.

در گام ششم امام خمینی (س) به حمایت از کسانی برخاستند که در مجلس خبرگان ضمن مقید نکردن خود به حدود پیش نویس قانون اساسی، از طرح اصل ولایت فقیه پشتیبانی می کردند. در این مورد هم نکته هایی چند وجود دارد:

۱) مقصود اصلی امام خمینی (س) از ابتدای مبارزه سال ۱۳۴۲، تشکیل حکومت اسلامی بود، ولی تا دوران انقلاب موقعیت مناسبی فراهم نیامده بود. سالهای اولیه انقلاب نیز چنین فرصت مناسبی را فراهم نکرد. ولی پیروزی انقلاب اسلامی و رأی بالا به جمهوری اسلامی، این فرصت طلایی را ایجاد کرد که بتوانند عمق نظریه و خواسته خود را در قانون اساسی جمهوری اسلامی بگنجانند.

۲) طرح بی هنگام اصل ولایت فقیه احتمال این خطر را افزایش می داد که جبهه مبارزه از همدیگر شکافته و گسیخته شود چون تا آن زمان به طور جدی و به منظور اجرا در جامعه مطرح نشده بود و معلوم نبود افکار گوناگون چه برخوردی با آن داشته باشند. همین ابهام امکان داشت جو مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی را از وحدت به کثرت و گسیختگی بکشاند.

۳) مقبولیت بسیار بالای امام خمینی (س) و نیز روحانیان به طور عام این فرصت را در اختیار امام گذاشت که نظریه قبلی خود را به عنوان یکی از

اساسی‌ترین اصول اسلام در قانون اساسی مطرح کنند و تصویب آن را از ملت بخواهند.

(۴) مجلس خبرگان قانون اساسی مشتمل بود بر اکثریتی بسیار قابل توجه از فقها که همگی نسبت به نظریه ولایت فقیه حداقل از نظر فقهی و شرعی تعبد داشتند و آن را پذیرفتنی می‌دانستند. امام خمینی (س) هم از چنین فضایی به بهترین وجه برای گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی استفاده کردند.

(۵) احتمال دیگری هم بدین مضمون وجود دارد که شاید امام از ابتدا قصد به اجرا درآوردن ولایت فقیه و گنجاندن آن را در قانون اساسی نداشتند اما وقتی موقعیت را مناسب دیدند پس از طرح مسأله ولایت فقیه در درون مجلس خبرگان قانون اساسی توسط سه نفر عضو مهم هیأت رئیسه به حمایت از آنان برخاستند و بر آن تأکید کردند.

نکته‌ای را که نباید فراموش کرد این است که این دایره‌های هفتگانه هم مرکز هستند و مرکز همه این دایره‌ها نظریه ولایت فقیه است که امام آن را به صورت تدریجی و همراه با آماده شدن اذهان مطرح کردند. بنابراین ظاهراً در نظریه امام خمینی (س) تا پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی، نقطه محوری تغییر نکرده بلکه شکل بروز آن به مناسبت‌های زمانی گوناگون، رنگ‌های مختلف پذیرفته است.

یادداشتها:

(۱) صحیفه نور، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ ۱۳، جلد ۲، ص ۱۶۰، (۱۳۵۷/۸/۱۰).

(۲) همان، ص ۱۶۸، (۱۳۵۷/۸/۱۱).

(۳) همان، صص ۱۹۰ و ۱۹۱، (۱۳۵۷/۸/۱۲).

- (۴) همان، صص ۲۱۶ و ۲۱۷، (۱۳۵۷/۸/۱۴).
- (۵) همان، ص ۲۱۹، (۱۳۵۷/۸/۱۴).
- (۶) همان، ص ۲۳۳، (۱۳۵۷/۸/۱۵).
- (۷) همان، ص ۳۱۴، (۱۳۵۷/۸/۲۰).
- (۸) همان، صص ۳۴۶ و ۳۴۷، (۱۳۵۷/۸/۲۲).
- (۹) همان، صص ۳۵۶ و ۳۵۷، (۱۳۵۷/۸/۲۴).
- (۱۰) همان، ص ۳۶۳، (۱۳۵۷/۸/۲۴).
- (۱۱) همان، ص ۳۷۵، (۱۳۵۷/۸/۲۶).
- (۱۲) همان، ص ۳۷۶، (۱۳۵۷/۸/۲۶).
- (۱۳) همان، ص ۳۸۹، (۱۳۵۷/۸/۲۷).
- (۱۴) همان، صص ۳۹۹ و ۴۰۰، (۱۳۵۷/۸/۲۷).
- (۱۵) همان، ص ۵۰۶، (۱۳۵۷/۹/۱۴).
- (۱۶) همان، ص ۵۲۹، (۱۳۵۷/۹/۲۰).
- (۱۷) همان، ص ۳۰۲، (۱۳۵۷/۸/۱۹).
- (۱۸) همان، ص ۳۷۶، (۱۳۵۷/۸/۲۶).
- (۱۹) همان، ص ۵۰۳، (۱۳۵۷/۹/۱۳).
- (۲۰) همان، ص ۴۷۸، (۱۳۵۷/۹/۸).
- (۲۱) همان، ص ۴۸۲، (۱۳۵۷/۹/۹).
- (۲۲) همان، ص ۳۵۱، (۱۳۵۷/۸/۲۲).
- (۲۳) همان، ص ۵۰۳، (۱۳۵۷/۹/۱۳).
- (۲۴) همان، ص ۵۲۹، (۱۳۵۷/۹/۲۰).
- (۲۵) همان، ص ۵۶۸، (۱۳۵۷/۹/۳۰).
- (۲۶) همان، ص ۵۸۴، (۱۳۵۷/۱۰/۵).

(۲۷) همان، جلد ۳، ص ۱۲، (۱۳۵۷/۱۰/۱۰).

(۲۸) همان، ص ۲۱، (۱۳۵۷/۱۰/۱۰).

(۲۹) همان، ص ۶۲، (۱۳۵۷/۱۰/۱۸).

(۳۰) همان، ص ۳۴، (۱۳۵۷/۱۰/۱۴).

(۳۱) همان، ص ۷۷، (۱۳۵۷/۱۰/۱۸).

(۳۲) همان، ص ۱۰۵، (۱۳۵۷/۱۰/۲۲).

(۳۳) همان، ص ۱۲۹، (۱۳۵۷/۱۰/۲۵).

(۳۴) همان، ص ۱۴۳، (۱۳۵۷/۱۰/۲۷).

(۳۵) همان، ص ۲۰۴، (۱۳۵۷/۱۱/۱۲).

(۳۶) همان، ص ۲۲۶، (۱۳۵۷/۱۱/۱۵).

(۳۷) همان، ص ۲۲۸، (۱۳۵۷/۱۱/۱۵).

(۳۸) همان، ص ۲۲۹، (۱۳۵۷/۱۱/۱۵).

(۳۹) همان، ص ۴۱۹، (۱۳۵۷/۱۲/۱۸).

(۴۰) همان.

(۴۱) همان، ص ۴۸۲، (۱۳۵۸/۱/۱۱).

(۴۲) همان، ص ۴۹۴، (۱۳۵۸/۱/۱۵).

(۴۳) همان، صص ۴۹۶ - ۴۹۹ - ۵۰۳ - ۵۰۶ - ۵۱۴ - ۵۲۳، (۵۸/۱/۱۶) و (۵۸/۱/۱۷) و (۵۸/۱/۱۹).

(۴۴) همان، ص ۵۲۶، (۱۳۵۸/۱/۱۹).

(۴۵) همان، ص ۵۰۳، (۱۳۵۸/۱/۱۷).

(۴۶) همان، ص ۵۳۸، (۱۳۵۸/۱/۲۱).

(۴۷) همان، ص ۵۶۶، (۱۳۵۸/۱/۲۷).

(۴۸) همان، جلد ۴، ص ۲۸۲، (۱۳۵۸/۳/۴).

(۴۹) همان، جلد ۳، ص ۵۲۸، (۱۳۵۸/۱/۱۹).



۵۰) همان، جلد ۴، ص ۱۸۱، (۱۳۵۸/۲/۲۵).

۵۱) همان، ص ۲۸۲، (۱۳۵۸/۳/۴).

۵۲) همان.

۵۳) همان، ص ۳۱۲، (۱۳۵۸/۳/۶).

۵۴) همان، صص ۴۲۳ و ۴۲۴، (۱۳۵۸/۳/۲۵).

۵۵) همان، ص ۴۲۴، (۱۳۵۸/۳/۲۵).

۵۶) همان، ص ۴۲۴ و ۴۲۵، (۱۳۵۸/۳/۲۵).

۵۷) همان، ص ۴۲۵، (۱۳۵۸/۳/۲۵).

۵۸) همان، ص ۴۲۶، (۱۳۵۸/۳/۲۵).

۵۹) همان، ص ۴۳۱، (۱۳۵۸/۳/۲۵).

۶۰) همان، ص ۴۳۰، (۱۳۵۸/۳/۲۵).

۶۱) همان، ص ۴۳۳، (۱۳۵۸/۳/۲۵).

۶۲) همان، ص ۴۳۸، (۱۳۵۸/۳/۲۶).

۶۳) محسن خلیلی، بررسی تأثیر تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی بازنگری آن، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی (تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲) ص ۸۴.

۶۴) محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران جلد ۱، اصول و مبانی کلی نظام، (تهران: دانشگاه شهید بهشتی و نشر بلد، ۱۳۷۴) صص ۲۷ و ۲۸.

۶۵) صحیفه نور، جلد ۴، ص ۴۳۲، (۱۳۵۸/۳/۲۵).

۶۶) همان، ص ۴۴۵، (۱۳۵۸/۳/۲۷).

۶۷) همان.

۶۸) همان، ص ۴۴۶، (۱۳۵۸/۳/۲۷).

۶۹) همان، ص ۴۵۶، (۱۳۵۸/۳/۲۸).

(۷۰) همان.

(۷۱) همان، ص ۴۶۰، (۱۳۵۸/۳/۲۸).

(۷۲) همان، صص ۴۶۳ و ۴۶۴، (۱۳۵۸/۳/۳۰).

(۷۳) همان، ص ۴۶۴، (۱۳۵۸/۳/۳۰).

(۷۴) همان، ص ۴۸۵، (۱۳۵۸/۳/۳۱).

(۷۵) همان، جلد ۵، ص ۸ و ۱۸، (۱۳۵۸/۴/۱۲).

(۷۶) همان، ص ۵۶، (۱۳۵۸/۴/۱۴).

(۷۷) همان، ص ۶۵، (۱۳۵۸/۴/۱۵).

(۷۸) همان، ص ۸۵، (۱۳۵۸/۴/۱۶).

(۷۹) همان، ص ۱۳۲، (۱۳۵۸/۴/۱۹).

(۸۰) همان، ص ۱۴۵، (۱۳۵۸/۴/۲۱).

(۸۱) همان، ص ۱۷۱، (۱۳۵۸/۴/۲۴).

(۸۲) همان، ص ۲۱۸، (۱۳۵۸/۴/۲۹).

(۸۳) همان، ص ۲۶۹، (۱۳۵۸/۵/۳).

(۸۴) همان، ص ۲۷۰، (۱۳۵۸/۵/۹).

(۸۵) همان، ص ۲۷۸، (۱۳۵۸/۵/۱۲).

(۸۶) همان، صص ۲۹۸ و ۲۹۹، (۱۳۵۸/۵/۲۷).

(۸۷) همان، ص ۳۱۰، (۱۳۵۸/۵/۲۸).

(۸۸) همان، ص ۳۱۰ و ۳۱۱، (۱۳۵۸/۵/۲۸).

(۸۹) همان، ص ۵۲۳، (۱۳۵۸/۶/۲۸).

(۹۰) همان، ص ۵۷۰ و ۵۷۱، (۱۳۵۸/۷/۵).

۹۱) اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، راهنمای استفاده از صورت

مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همراه با معرفی

مجلس و اعضای خبرگان، (تهران: اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸) ص ۴۰۸.

(۹۲) همان، ص ۶۰.

(۹۳) صحیفه نور، جلد ۶، ص ۳۴، (۱۳۵۸/۷/۱۲).

(۹۴) همان، ص ۹۵، (۱۳۵۸/۷/۳۰).

(۹۵) همان، صص ۹۶ و ۹۷، (۱۳۵۸/۷/۳۰).

(۹۶) همان، ص ۱۰۶، (۱۳۵۸/۸/۲).

(۹۷) همان، صص ۱۱۸ و ۱۱۹، (۱۳۵۸/۸/۳).

(۹۸) همان، صص ۱۶۴ و ۱۶۵، (۱۳۵۸/۸/۹).

(۹۹) همان، صص ۱۶۲ و ۱۶۳، (۱۳۵۸/۸/۹).

(۱۰۰) همان، ص ۲۳۴، (۱۳۵۸/۸/۱۶).

(۱۰۱) همان، ص ۲۵۳، (۱۳۵۸/۸/۱۸).

(۱۰۲) همان، ص ۲۵۴، (۱۳۵۸/۸/۱۸).

(۱۰۳) همان، ص ۲۵۵، (۱۳۵۸/۸/۱۸).

(۱۰۴) همان، ص ۲۷۱، (۱۳۵۸/۸/۲۴).

(۱۰۵) همان، صص ۳۰۲ و ۳۰۳، (۱۳۵۸/۸/۲۹).

(۱۰۶) همان، ص ۳۲۳، (۱۳۵۸/۹/۷).

(۱۰۷) همان.

(۱۰۸) همان.

(۱۰۹) همان، ص ۳۴۷، (۱۳۵۸/۹/۱۵).

(۱۱۰) همان، صص ۳۲۷ و ۳۵۱، (۱۳۵۸/۹/۱۵ و ۱۳۵۸/۹/۱۶).